


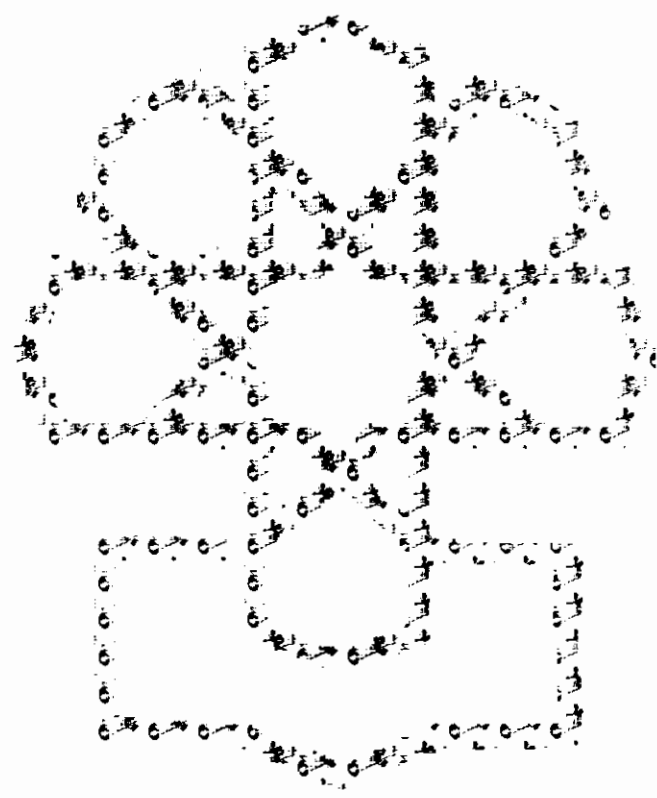
۴۲۱۱
X

۲۵۶۸


مهرشهر اسلامی
مرکز پژوهشها
گزارش ویژه

قراردادهای بیع متقابل وزارت نفت و اوضاع بین المللی نفت

درباره لایحه بودجه ۷۸ - شماره (۵۵)



معاونت پژوهشی
دی ۱۳۷۷

کار: دفتر امور زیربنایی

کد گزارش: ۱۸۰۴۲۲۱

شماره: ۱۰۱۵
تاریخ: ۱۳۷۷

بسمه تعالی

قراردادهای بیع متقابل وزارت نفت و اوضاع بین‌المللی نفت درباره لایحه بودجه ۷۸ - شماره (۵۵)

کد گزارش: ۱۸۰۴۲۲۱

نکات برجسته

- ۱- طرح‌های بیع متقابل وزارت نفت در شرایطی ارائه می‌شوند که بازار نفت با حدود ۵ میلیون بشکه در روز ظرفیت مازاد مواجه است.
- ۲- در شرایط کنونی کشورهای نظیر ونزوئلا که در سال‌های اخیر به سرعت ظرفیت تولید خود را بالا برده‌اند به ناچار بخش قابل توجهی از ظرفیت تولید خود را با توجه به وخامت اوضاع بازار مورد استفاده قرار نمی‌دهند.
- ۳- افزایش ظرفیت تولید به کمک منابع مالی خارجی در شرایط اشباع بازار نفت فقط به تعهدات مالی کشور خواهد افزود.
- ۴- دولت‌های عربستان، کویت و امارات متحده عربی همواره بخشی از ظرفیت تولید خود را بلااستفاده می‌گذارند و به عنوان اهرمی جهت امنیت عرضه جهانی نفت از آن استفاده می‌کنند و در مقابل کشورهای غربی نیز امنیت سیاسی آنها را تضمین می‌نمایند.
- ۵- مجلس کویت هنوز با حضور سرمایه‌گذاری خارجی در منابع نفتی این کشور حتی توسعه منابع نفتی هم مرز با عراق موافقت نکرده و دولت کویت را تهدید نموده که قبل از جلب موافقت مجلس این کشور مبادرت با انعقاد هیچ نوع قراردادی ننماید.
- ۶- عربستان در حال حاضر در نظر دارد ظرفیت تولید گاز خود را افزایش دهد، کویت نیز برای افزایش بازدهی و کاهش هزینه‌های چاه‌های موجود، پیشنهادهایی را به شرکت‌های خارجی نموده است اقدامات دولت عربستان و کویت در حدی نیست که وزارت نفت اقدام به عقد قراردادهای بیع متقابل به طور عجولانه و در سطح گسترده‌ای نماید به ویژه آن که این اقدامات حساسیت‌های خاصی در جهت تضعیف بازار ایجاد خواهد نمود.
- ۷- در برخی از کشورها به دلیل پایین بودن قیمت نفت توقف تولید در برخی از میادین مطرح بوده و همچنین ریاست محترم جمهور نیز در دیدار با کشاورزان نمونه اظهار کرد که در صورتی که قیمت نفت پایین‌تر رود، چاه‌های نفت را خواهیم بست. در این شرایط که قیمت نفت پایین است انعکاس تصویب طرح‌های بیع متقابل در حجم گسترده مورد نظر بند «ل» تبصره ۲۹ لایحه بودجه سال ۱۳۷۸، به

تضعیف بازار منجر خواهد شد.

۸- جهت سرمایه‌گذاری و تأمین منابع مالی در بخش بالادستی صنعت نفت کشور با هدف افزایش ظرفیت تولید نفت شایسته است مطالعات همه‌جانبه و به‌دور از فشار و جنجال‌های داخلی و خارجی و بدون تعجیل انجام گیرد تا منافع کشور به نحو احسن تأمین گردد.

۹- تدوین استراتژی صنعت نفت به‌ویژه در رابطه با افزایش ظرفیت تولید و تصویب این استراتژی به دلیل اهمیت آن در حرکت بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت صنعت نفت کشور، در مجلس شورای اسلامی ضروری به نظر می‌رسد.

ارائه طرح‌های مختلف بیع متقابل از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران در سال‌های اخیر به طور روزافزونی افزایش یافته است. بدون این‌که طرح‌های انجام شده مورد ارزیابی کارشناسی قرار گرفته شده و تصمیمات آتی با ارزیابی طرح‌های در دست اجرا اتخاذ شود. از این‌رو پیشنهاد می‌گردد در بررسی طرح‌های آتی نکات مهم زیر در نظر گرفته شود:

۱- شرایط کنونی بازار نفت به گونه‌ای است که افزایش ظرفیت تولید می‌باید با در نظر گرفتن شرایط عرضه و تقاضای جهانی صورت گیرد براساس برآوردهای کارشناسی هم اکنون حدود ۵ میلیون بشکه در روز ظرفیت مازاد در جهان وجود دارد که به دلیل اشباع بازار نفت بلااستفاده بوده و امکان عرضه آن وجود ندارد.

بدیهی است چنانچه در شرایط کنونی ظرفیت تولید نفت جمهوری اسلامی ایران به جای ۴ میلیون بشکه در روز ۵ یا ۶ میلیون بشکه در روز بود امکان عرضه آن به بازارهای جهانی فراهم نبود یا عرضه مازاد قیمت‌ها را بیش از سطح کنونی کاهش می‌داد و تأثیری بر درآمدهای نفتی کشور نداشت زیرا حاصل ضرب صادرات در قیمت عددی است ثابت.

هم اکنون کشورهای نظیر ونزوئلا که در سال‌های اخیر به سرعت ظرفیت تولید خود را بالا برده‌اند به ناچار بخش قابل توجهی از ظرفیت تولید خود را مورد استفاده قرار نمی‌دهند تا به وخامت بازار نفت نیافزایند در نتیجه افزایش ظرفیت تولید، به کمک سرمایه‌های خارجی در شرایط اشباع بازار نفت فقط به تعهدات مالی کشور خواهد افزود بدون آن‌که منشأ افزایش درآمد شود.

در ونزوئلا فشار دولت بر مردم باعث شده که یک کودتای بارآی بالایی به ریاست جمهوری این کشور برگزیده شود. زیرا وی به مردم قول داد، که سیاست افزایش سهم بازار نفت و افزایش ظرفیت تولید را کنار گذاشته و به تقویت قیمت‌ها و اجرای تعهدات اوپک مبادرت خواهد کرد.

بدیهی است رفع تحریم‌های بین‌المللی از عراق باعث افزایش سریع تولید این کشور شده و ظرفیت‌های مازاد را به ۸-۷ میلیون بشکه در روز افزایش خواهد داد که با فرض رشد تقاضای جهانی نفت به میزان ۱/۵ میلیون بشکه در روز که بسیار خوش‌بینانه است (زیرا در سال میلادی گذشته رشد تقاضای جهانی نفت فقط ۰/۴ میلیون بشکه در روز بود) ظرفیت‌های مازاد کنونی جهان تکافوی تأمین افزایش تقاضا در پنج سال آینده را خواهد کرد و هرگونه افزایش در ظرفیت‌های تولید نفت بر طول برهه قیمت‌های ضعیف خواهد افزود.

۲- در سرمایه‌گذاری هر طرح تولیدی مطالعه بازار امری ضروری است از این‌رو افزایش ظرفیت تولید نفت کشور می‌باید نگرش روشن و دقیقی از آینده بازار نفت وجود داشته باشد والا تجربه پتروشیمی تکرار خواهد شد (هم اکنون علی‌رغم سرمایه‌گذاری سنگین در پتروشیمی امکان صادرات کامل محصولات آن وجود ندارد و به دلیل آن‌که این محصولات دارای تاریخ مصرف است پس از گذشت تاریخ انقضای این محصولات باید معدوم شود) مقام محترم ریاست جمهوری در سخنرانی اخیر خود برای کشاورزان نمونه اظهار کرد که با قیمت‌های کنونی تولید نفت به صرفه نبوده و چنانچه قیمت‌های نفت اندکی از این سطح پایین‌تر رود چاه‌های نفت را خواهیم بست، زیرا با قیمت‌های ۵-۶ دلار تولید نفت برای جمهوری

اسلامی ایران به صرفه نیست و این رقم در حد هزینه‌های تولیدی است.

نکته قابل توجه این که ممکن است هزینه تولید از مخازن قدیمی که سرمایه گذاری در سالیان گذشته در آنها صورت گرفته بسیار پایین باشد اما این هزینه‌ها نباید ملاک قرار گرفته شود. بلکه هزینه‌های جدید براساس بیع متقابل و هزینه‌های جانبی آن باید محاسبه و ملاک تولید و توسعه منابع نفتی باشد. به عنوان نمونه هزینه تولید مخازن سیری که اخیراً تولید شرکت توتال توسعه یافته‌اند محاسبه و مدنظر قرار گیرد. براساس شواهد موجود وزارت نفت بازگشت سرمایه را در این نوع قراردادها به میزان ۱۸ درصد تخمین نموده و بابت سرمایه گذاری انجام شده امتیازات مختلفی نیز در نظر می‌گیرد که با در نظر گرفتن آنها بهره ناشی از این سرمایه گذاری تا حدود ۲۵ درصد نیز پیش‌بینی می‌شود. بنابراین بازپرداخت طرح‌های ۴ ساله ممکن است حدود دو برابر اصل سرمایه باشد. در حالی که اکثریت صاحب‌نظران بازار نفت ضعف قیمت‌ها را موقتی ندانسته و معتقدند سایه قیمت‌های پایین نفت تا چند سال آینده بر بازار نفت مستولی خواهد بود. از این رو در سرمایه گذاری‌های بالادستی صنعت نفت با توجه به شرایط کنونی بازار نفت بسیار محتاطانه باید عمل نمود زیرا چشم‌انداز مبهم تقاضای جهانی و قیمت‌های نفت باعث گشته اغلب کشورهای صادرکننده و شرکت‌های نفتی در برنامه‌های بخش بالادستی خود تجدیدنظر کنند و حتی ادامه برخی از طرح‌های توسعه‌ای منطقه دریاچه خزر نیز با تردیدهای فراوان مواجهه گردیده است. فقط کشورهای کویت و عربستان در صدد توسعه ظرفیت‌های تولیدی خود هستند که در این مورد نیز نکات زیر حائز اهمیت است.

الف- دولت‌های عربستان و کویت و امارات متحده عربی همواره بخشی از ظرفیت تولید خود را بلااستفاده گذارده و به عنوان اهرمی جهت امنیت عرضه جهانی نفت از آن استفاده می‌کنند و در مقابل این اقدام که امنیت مصرف‌کنندگان بزرگ نفت را فراهم می‌کند، کشورهای غربی نیز امنیت سیاسی این کشورها را در مقابل تهدیدات مختلف تضمین می‌کنند.

ب- عربستان در نظر دارد ظرفیت تولید گاز خود را افزایش دهد و دعوت از حضور شرکت‌های غربی نیز در این راستا بوده است و هنوز هیچ نوع قراردادی منعقد نشده است.

ج- دعوت دولت کویت از شرکت‌های غربی، برای توسعه منابع نفتی هم مرز با عراق است و این کشور کوچک در صدد است با گره زدن منافع شرکت‌های غربی با خطوط مرزی خود با عراق یک سپر امنیتی در مرزهای خود با عراق ایجاد نماید از طرف دیگر مجلس این کشور هنوز با حضور سرمایه گذاری شرکت‌های غربی در منابع نفتی این کشور موافقت نکرده و دولت کویت را تهدید کرده که قبل از جلب موافقت مجلس این کشور مبادرت به انعقاد هیچ نوع قراردادی نکند.

د- کشورهای عربستان و کویت به فن‌آوری شرکت‌های غربی بیش از سرمایه آنان احتیاج دارند در حالی که کشورهای نظیر جمهوری اسلامی ایران به فن‌آوری و سرمایه خارجی به یک اندازه نیازمند است.

ه- کشور کویت برای افزایش بازدهی و راندمان و کاهش هزینه‌های موجود پیشنهاد نموده که چنانچه شرکت‌های خارجی بتوانند هزینه تولید کنونی را با کاربرد فن‌آوری جدید کاهش دهند در آن سطح از کاهش هزینه شریک خواهند بود. به نظر می‌رسد این کشور با توجه به ساختار سیاسی- اجتماعی خود در این روش انگیزه لازم برای اعمال فن‌آوری جدید توسط شرکت‌های غربی در

چاه‌های نفتی را به وجود آورده و آنان را در نتیجه این اقدام مشارکت می‌دهد بدون آن‌که هزینه‌ای هم برای کشور کویت در برداشته باشد.

با توجه به مطالب فوق این نتیجه به دست می‌آید که اقدامات اخیر دولت‌های کویت و عربستان در حدی نیست که وزارت نفت به طور عجولانه اقدام به عقد قراردادهای بیع متقابل در سطحی گسترده بنماید به ویژه آن‌که این اقدام حساسیت‌های خاصی را ایجاد خواهد نمود که رقابت منفی در این مورد ضعف و سستی قیمت‌ها و کاهش درآمد کشورهای صادرکننده نفت را به دنبال خواهد داشت. در حالی که این کشورها بیشتر از گذشته تولید می‌کنند و سرعت تخلیه مخازن نفتی افزایش یافته اما عایدات ناشی از تولید نه تنها بیشتر از گذشته نیست بلکه کمتر است.

۳- هم‌اکنون در مجامع بین‌المللی و به ویژه اوپک از جمهوری اسلامی ایران به عنوان بزرگ‌ترین متخلف اوپک نام برده می‌شود و نشریات بین‌المللی مکرراً نظرات مقامات برخی از کشورهای عضو اوپک (به ویژه عربستان) و صاحب‌نظران نفتی را مبنی بر عدم همکاری جمهوری اسلامی ایران در کاهش تولید منعکس می‌کنند. در نتیجه مسئولیت پایین بودن قیمت‌ها به جمهوری اسلامی ایران نسبت داده می‌شود به گونه‌ای که وزیر نفت عربستان اخیراً اظهار داشته که هم‌اکنون بزرگ‌ترین مانع برای کاهش مجدد تولید و افزایش قیمت‌ها جمهوری اسلامی ایران است که حاضر نیست تولید خود را کاهش دهد.

پرواضح است که هدف عربستان و کشورهای هم‌جهت با آن کشور گمراه کردن اذهان عمومی است اما به جای آن‌که فشار افکار عمومی بر علیه آنان شکل گیرد آنها با منحرف کردن این موضوع کشورمان را در معرض اتهام قرار داده‌اند که در صورت تداوم قیمت‌های پایین پیش‌بینی می‌شود این فشارها ثمربخش بوده و وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران نیز ناچار به پذیرش کاهش تولید شود.

نتیجه این‌که شرایط بازار نفت به گونه‌ای است که تولیدکنندگان نمی‌توانند به دلخواه در حداکثر ظرفیت خود تولید کنند و به ناچار می‌باید برای کسب قیمت‌های بهتر بخشی از ظرفیت تولید خود را مورد استفاده قرار ندهند که آثار زیانبار آن از بعد اقتصادی برای تولیدکنندگان بزرگ نفت بیشتر از تولیدکنندگان کوچک است. از این‌رو با توجه به نامحدود بودن سهمیه تولید عراق و ضعیف بودن رشد تقاضای جهانی بسیار بعید است که سهمیه تولید کشورمان در طول پنج سال آینده به بیش از ۴ میلیون بشکه در روز بالغ شود. زیرا چنانچه افزایش تقاضای جهانی از اوپک در ۵ سال آینده ۵ میلیون بشکه در روز فرض شود. ۱-۲ میلیون بشکه در روز آن توسط عراق جذب شده و سهم کشورمان (براساس درصد موجود از سقف تولید اوپک) از افزایش تقاضای آتی بیش از ۵۰۰-۴۰۰ هزار بشکه در روز نخواهد بود. در حالی که اوپک معتقد است سهمیه کنونی کشورمان ۳,۳۰۰,۰۰۰ بشکه در روز و وزارت نفت مدعی است سهمیه کشورمان ۳,۶۰۰,۰۰۰ بشکه در روز است که در مجموع پیش‌بینی می‌شود سهمیه کشورمان تا ۵ سال آینده به بیش از ۴,۰۰۰,۰۰۰ بشکه در روز بالغ نخواهد شد. از این‌رو در صورت افزایش ظرفیت تولید از ۴ میلیون بشکه در روز، تولید آن در قالب سهمیه اوپک امکان‌پذیر نخواهد بود.

۴- وزیر نفت اسبق عربستان قبل از اجلاس جاکارتا اعلام نمود که دیگر ظرفیت‌های مازاد تولیدی نباید تنها نزد سه کشور عربستان، کویت و امارات متحده عربی باشد. بلکه کلیه کشورهای صادرکننده نفت می‌باید در این امر مشارکت داشته باشند. بدیهی است نقش ظرفیت‌های مازاد تولیدی تنها در جهت منافع

مصرف‌کنندگان و به ویژه کشورهای صنعتی است و امنیت عرضه نفت را برای آنان تضمین خواهد داد آقای زکی‌یمانی به عبارت بهتر این واقعیت را بیان نموده که چنانچه کشورهای صادرکننده در صدد بر خورداری از بازار متعادل نفت می‌باشند باید بخشی از ظرفیت تولید خود را بلااستفاده گذارده و آن را به امنیت عرضه مصرف‌کنندگان اختصاص دهند والا با کاهش قیمت‌های نفت خود ناچار به این اقدام خواهند شد.

بدیهی است سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی صنعت نفت کشورمان با هدف افزایش ظرفیت تولید می‌باید با مطالعه همه جانبه و به دور از فشار و جنجال‌های داخلی و خارجی باشد و ملاحظات کارشناسان و صاحب‌نظران در این مورد باید مدنظر قرار گیرد. والا عدم مطالعه کافی در این مورد باعث خواهد شد که در نهایت افزایش ظرفیت تولید نفت کشورمان در راستای تأمین و افزایش امنیت عرضه نفت کشورهای صنعتی باشد که در این صورت برای بازپرداخت سرمایه‌گذاری‌های خارجی فشار زایدالوصفی بر اقتصاد کشور وارد خواهد شد. از این رو توصیه کارشناسی برای افزایش ظرفیت تولید، افزایش به موقع - به اندازه و حساب شده ظرفیت تولید نفت کشور است.

۵- ارزیابی قراردادهای در دست اقدام بیع متقابل که در سال‌های گذشته منعقد گردیده کمک مؤثری به تصمیم‌گیری در مورد انعقاد قراردادهای جدید خواهد کرد. شواهد موجود بیانگر آن است که نفع جمهوری اسلامی ایران در این قراردادها قابل توجه نبوده در حالی که طرف‌های مقابل از وضعیت بسیار مطمئن و سود تضمین شده‌ای برخوردار گردیده‌اند. در حالی که معمولاً در سرمایه‌گذاری‌های مشابه تمام یا بخشی از ریسک (خطرپذیری) این گونه سرمایه‌گذاری‌ها به عهده طرف مقابل است. اما در موارد انجام شده تمامی ریسک متوجه جمهوری اسلامی ایران است و طرف‌های مقابل از سود تضمین شده‌ای برخوردار بوده و حتی در مواردی در برداشت یا عدم دریافت محصول نهایی به عنوان اصل و سود سرمایه مختار می‌باشند. زیرا وزارت نفت تقبل نموده که از نفت تولیدی مخازن قدیمی در صورت تمایل طرف‌های سرمایه‌گذار اصل و سود آنان پرداخت شود.

۶- شواهد موجود بیانگر آن است که از طرح‌های بیع متقابل ارائه شده توسط وزارت نفت در سال ۱۳۷۷ استقبال چندانی صورت نگرفته است زیرا به دلیل بالا بودن حجم سرمایه‌گذاری (در یک سال) و ادامه تحریم امریکا و پایین بودن قیمت‌های نفت سرمایه‌گذاران با این پدیده بسیار محتاط برخورد نموده به گونه‌ای که وزارت نفت ناچار گشت مهلت دریافت پیشنهادهای سرمایه‌گذاران را تمدید نماید اما تأثیرات ادامه این طرح‌ها در بازار سرمایه کاملاً مشهود است زیرا از یک سو سرمایه‌گذاران، ارائه این طرح‌ها در سطح گسترده را دلیلی بر وخامت اوضاع صنعت نفت ایران تلقی کرده و سعی دارند در مذاکرات امتیازات بیشتری از وزارت نفت کشورمان طلب نمایند.

از طرف دیگر با ارائه طرح‌های بیع متقابل در سطحی گسترده حساسیت‌های سایر کشورهای تولیدکننده به ویژه برخی از اعضای اوپک برانگیخته شده و آنان نیز برای عقب‌نماندن از این رقابت سعی در جذب سرمایه‌های خارجی با ارائه شرایط جذاب‌تر دارند. بدیهی است ارائه طرح‌های بیع متقابل به گونه‌ای باید باشد که این رقابت ناسالم را دامن‌نزد و الا افزایش بی‌رویه این گونه سرمایه‌گذاری‌ها که به افزایش بی‌رویه ظرفیت‌های تولید نفت منجر خواهد شد. علاوه بر آثار روانی منفی که بر بازار نفت در کوتاه مدت دارد. آینده میان مدت و بلندمدت بازار نفت و قیمت‌ها را نیز متأثر خواهد ساخت.

۷- تشریحات نفتی به نقل از شرکت‌های سرمایه‌گذار که با وزارت نفت کشورمان در حال مذاکره هستند اعلام نموده‌اند که وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران به تعداد کافی هیئت‌های مذاکره‌کننده در اختیار نداشته و کثرت طرح‌های بیع متقابل هیئت‌های متعدد مذاکره‌کننده را طلب می‌کند.

بدیهی است که برخلاف وزارت نفت شرکت‌های بین‌المللی سرمایه‌گذار از متخصصان بسیار باتجربه در زمینه مسائل فنی، حقوقی، بین‌المللی، مالی و نظایر آن برخوردار بوده و از این رو بعید نخواهد بود که به دلیل کثرت طرح‌های ارائه شده هیئت‌های مذاکره‌کننده، وزارت نفت کشورمان از نظر کیفیت تضعیف گردیده و در این قرار دادها عمدتاً طرف‌های مقابل شرایط خود را به وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران تحمیل نمایند.

با توجه به مطالب ارائه شده نتیجه‌گیری می‌شود که ارائه طرح‌های جذب سرمایه در وزارت نفت بسیار حساس و مهم بوده و شایسته است وزارت نفت بدون تعجیل در این مورد به طور حساب شده و با در نظر گرفتن کلیه ابعاد موضوع به این مهم در قالب برنامه‌ای حداقل میان مدت مبادرت نماید و الای تبعات آن در آینده متوجه اقتصاد کشور نخواهد گردید.